

تهران
ظهور یک فاشهر
(نگاهی به وضعیت محله و روابط همسایگی)

احمد، ح. زکی
با پیشگفتاری از دکتر نعمت‌الله فاضلی

فهرست

پیش‌گفتار ۱۱

مقدمه ۳۱

فصل اول

از شهر تا نا شهر (مساله شدن شهر) ۳۹

فصل دوم

محله در نگاه ساکنان شهر تهران (وضع موجود: جدال میان فدی و اسیر کش و قوس)

..... ۷۵

فصل سوم

محله در خاطرات اهالی شهر تهران (دل‌تنگ برای گذشته - دل‌سرد از وضع موجود) ۱۰۱

فصل چهارم

حس دل‌بستگی به محله در شهر تهران (درهم تنیده با خاطرات ساکنان) ۱۱۷

فصل پنجم

روابط همسایگی در شهر تهران (رنگ و رخ باخته، تغییر یافته، قابل تحمل) ۱۳۳

فرجام کار

تهران: شهر نامکان‌ها؛ یک ناشهر ۱۵۹

منابع ۱۶۵

پیش‌گفتار

معمای خیابان و مسأله کوربینی خیابانی

نعمت‌الله فاضلی^۱

این کتاب مطالعه‌ای انتقادی و زوایای زیست جهان کلان‌شهر تهران است. این مطالعه مردم‌نگارانه نشان می‌دهد که پیوند میان محله در فضای کلان‌شهر تهران فروپاشیده است. این فروپاشی ابعاد و پیامدهای گسترده‌ای برای شهروندان تهرانی دارد. حس مکان و حس تعلق در این شهر بسیار پایین است. مشارکت اجتماعی در کم‌ترین حد ممکن است. تنش‌های میان شهروندان بالا است و خشونت‌های شهری و تعاملات عصبان موجب زایل شدن لذت شهری شده است. کلان‌شهر تهران فرصت جامعه‌پذیری شهری محدودی برای شهروندان فراهم می‌کند، آن‌ها به سختی می‌توانند هویت خود را در حوزه عمومی شهر تجربه کنند. کلان‌شهر تهران از سرمایه فیزیکی و کالبدی بسیار غنی و سرشاری برخوردار است، اما سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی شهروندان رو به کاهش است. تفاوت‌های فرهنگی شهروندان در این کلان‌شهر محو شده و کلاً به رسمیت شناخته نمی‌شود. مولف کتاب این موقعیت را ظهور یک ناشهر نامیده است. مارک آژه این نوع فضاها و شهرها را نامکان می‌نامد. من نیز در مطالعاتم این مسئله را با مفهوم کاستی فرهنگ توضیح داده‌ام. شهرها و نظام‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران

با اشکال گوناگون گسیختگی‌ها و کاستی‌های فرهنگی مواجه‌اند. از این رو وقتی این کتاب را خواندم آن را روایتی انتقادی و هشداردهنده درباره تهران یافتم.

نکته مهمی که از خواندن این کتاب یافتم تفسیر انتقادی آن از فروپاشی روابط اجتماعی در سطح محله و پیوندهای انسانی و همسایگی است. من نیز در کتاب «فرهنگ و شهر» (۱۳۹۳) مطالعه‌ای در زمینه «زوال همسایگی» در تهران انجام داده‌ام. واقعیت این است که کلان‌شهرها به تعبیر زیمل حیات ذهنی‌ای دارند که در آن «غریبه‌ها» زندگی می‌کنند و پول، حاکم بی‌چون و چرا بر زندگی و زیست جهان مردم است. در چنین موقعیتی ضروری است تا با دیدگاهی انتقادی از سازوکارها و روابط ساختاری حاکم بر شهر و کلان‌شهر آشنایی‌زدایی کرد. ممکن است این روایت انتقادی با این پرسش روبرو شود که اولاً این نقدها سیاه‌نمایی است و نمی‌تواند تمام واقعیت کارشناسی تهران را توضیح دهد. دوم این که روال و روندهای موجود ساخت‌یابی کلان‌شهر تهران اجتناب‌ناپذیر بوده و هست و با این نقدها نمی‌توان کاری برای بهبود فضاهای شهری تهران کرد. علاوه بر این، مدیران شهری ممکن است بپرسند که کلان‌شهرهایی مانند تهران با چالش‌ها، مشکلاتی مانند بحران زیست محیطی، آلودگی هوا، ترافیک، فساد سیستماتیک، بحران کمبود منابع مالی، بحران‌های متعدد در زمینه خدمات شهری و امثال این‌ها مواجه‌اند و سخن گفتن از زوال همسایگی و فروپاشی روابط اجتماعی یا فرسایش سرمایه اجتماعی، نوعی بیان رمانتیک و تخیله حسن‌تر است! یک است و عملاً این نوع مطالعات انتقادی فاقد ارزش عملی و راه‌گشایانه است.

اما به اعتقاد من مطالعات انتقادی از این نوع از جنبه‌های گوناگون ضروری هستند. نخست ما نیازمند فهم‌پذیر کردن زیست جهان شهری هستیم و این کار لزوماً نباید در چارچوب نگاه‌های مدیریتی و ذهنیت‌های مهندسی باشد، زیرا این دیدگاه‌ها به دلیل جانبداری‌های بروکراتیک، تکنوکراتیک و ایدئولوژیک‌شان قادر نیستند توصیفی واقع‌گرایانه از هستی شهر خلق کنند. دوم این که مطالعات انتقادی به ما بینش‌ها و بصیرت‌هایی می‌دهند که فراتر از

بینش‌های مدیریت‌گرایانه و مهندسانه است. سوم این‌که مطالعات موجود که ذیل گفتمان مدیریت‌گرایی انجام شده‌اند اگر از قابلیت‌ها و ارزش‌های کافی برخوردار بودند باید شهرها و کلان‌شهرهای ما با چالش‌های ساختاری کم‌تری مواجه می‌بودند. نکته آخر این‌که مطالعات انتقادی و به‌ویژه رویکردهای کیفی در مطالعات شهری؛ لازمه و پیش‌شرط سایر اشکال پژوهش‌های شهری است. بخشی از علل ناکامی مطالعات شهری موجود در ایران ناشی از همین کمبود پژوهش‌های کیفی است.

بعد از مطالعه کتاب حاضر به نظرم رسید مقاله‌ای که درباره خیابان نوشته بودم در این پیش‌گفتار ارائه کند. در این مقاله شرحی از مسئله خیابان در ایران معاصر ارائه کرده‌ام. نکته اصلی این مقاله این است که در شهرهای امروز ما عمدتاً به جنبه‌های فیزیکی و کالبدی خیابان توجه شده است و جنبه‌های انسانی و معناکاوانه آن هنوز توجه محققان و حتی طراحان و مدیران شهری را به خود معطوف ساخته است. این موقعیت را «کوربینی خیابانی» نامیده‌ام. بخشی از بحران محله و همسایگی به در این کتاب با آن آشنا می‌شویم نیز در پیوند با همین موقعیت کوربینی خیابانی است.

هانری لفور نظریه‌پرداز بلندآوازه شهر و فضا توانست یک بار برای همیشه نشان دهد که «فضا تولید می‌شود». در این فرایند تولید فضا، مکان‌ها به کمک آدم‌ها و دولت‌ها و در نتیجه آمیختن همه نیروهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به فضا پیل می‌شوند. خیابان یکی و البته مهمترین مکان شهری است که به صورت فضا تولید می‌شود. این فرایند تولیدی است که خیابان در هر جامعه‌ای متناسب با تاریخ و فرهنگ و سیاست آن آفریده می‌شود. در آفرینش «فضای خیابان»، کشمکش‌ها بر سر منافع، علایق و سلیقه‌ها همواره جاری و ساری هستند. از این دیدگاه خیابان دیگر مکانی نیست که «ساخته می‌شود»، بلکه محصولی است تولید شده در کارگاه تولیدات جامعه. هر جامعه‌ای ریتم و آهنگ خودش را در این فضا تنظیم می‌کند، زندگی روزمره خاص خودش را می‌آفریند، به اشیاء و رویدادها سامان خاصی می‌دهد،